

Islamic Knowledge and Insight

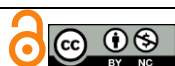
Examining the Cognitive Barriers to Creativity from the Perspective of Islamic Teachings

1. Seyyed Nasser Hosseini: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Hamid Mohammad Ghasemi*: Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. (Email: ghasemi831@yahoo.com)
3. Morteza Khorami: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

Abstract

One of the inherent faculties of humans for distinguishing between right and wrong is the power of reason and thought. This divine gift requires creativity, flourishing, and nurturing. In this case, it leads to the attainment of human perfection, although this flourishing is influenced by various factors and conditions. While the specific factors that deviate the process of creativity and thinking from its correct path and prevent humans from reaching the truth are open to discussion and examination in the fields of psychology and logic, the Qur'an and Hadith—serving as life-enriching teachings—provide clear guidance that highlights the obstacles which limit human intellectual growth and creativity in this journey. This article aims to identify and explain some of the individual and social cognitive barriers from the perspective of Islamic teachings, providing the reader with a clearer understanding.

Keywords: Creativity, Innovation, Barriers, Nurturing.



How to cite: Hosseini, S. N., Ghasemi, H. M., & Khorami, M. (2024). Examining the Cognitive Barriers to Creativity from the Perspective of Islamic Teachings. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(1), 56-70.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 02 February 2024

Revise Date: 12 March 2024

Accept Date: 23 March 2024

Publish Date: 10 April 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی موانع شناختی خلاقیت از منظر آموزه‌های اسلامی

۱. سید ناصر حسینی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. حمید محمد قاسمی*: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (پست الکترونیک: ghasemi831@yahoo.com)
۳. مرتضی خرمی: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

چکیده

یکی از حجت‌های درونی انسان در تشخیص حق و باطل، قوه تعقل و اندیشه است. این ودیعه الهی، نیازمند خلاقیت و شکوفایی و باروری است. در این صورت، سبب رسیدن انسان به کمال می‌گردد؛ گرچه این شکوفایی تحت تاثیر عوامل و شرایط مختلفی قرار گرفته است. اینکه کدام عوامل، فرایند خلاقیت و تفکر را از مسیر صحیح خود منحرف می‌کند و انسان را از رسیدن به حقایق باز می‌دارد، اگرچه در ابعاد مختلف در دانش روانشناسی و منطقی قابل بحث و بررسی است؛ لکن در قرآن و روایات، به‌عنوان آموزه‌های حیاتبخش زندگی - خطوط روشنی وجود دارد که نشان می‌دهد چه موانعی راه شکوفایی و رشد فکری انسان را محدود کرده و باعث نابودی خلاقیت وی در این مسیر می‌گردد. این مقاله در پی آن است که برخی موانع شناختی فردی و اجتماعی را از منظر آموزه‌های اسلامی شناسایی و تبیین کند؛ تا دیدگاه روشنی را در نزد خواننده قرار دهد.

کلیدواژگان: خلاقیت، نوآوری، موانع، پرورش.

شیوه‌استاددهی: حسینی، سید ناصر، محمد قاسمی، حمید، و خرمی، مرتضی. (۱۴۰۳). بررسی موانع شناختی خلاقیت از منظر آموزه‌های اسلامی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۱)، ۵۶-۷۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۳ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۴ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

مقدمه

با نگاهی به دنیای امروز و مقایسه زندگی کنونی با گذشته، در می‌یابیم که تغییر و تحولات و تفاوت ملموس آن، مرهون خلاقیت بشر است. امروزه خلاقیت یکی از تکنیک‌های مهم دستیابی به اکتشافات و پیشرفت‌های علمی، فنی و هنری تلقی می‌شود. شاید بدین دلیل است که این قریحه در دوران کودکی بسیار مورد آموزش و حمایت قرار می‌گیرد. انسانی که نتواند با شرایط و زمان و مکان همگام شود و توانایی بهره‌گیری و سازگاری را نداشته باشد، محکوم به فناست. لذا بشر برای تداوم زندگی نیازمند بازآفرینی و خلاقیت می‌باشد. خلاقیت گذرگاه حال به آینده است و از عالی‌ترین و پیچیده‌ترین جلوه‌های اندیشه بشری است. بشر توانسته است به توانایی خویش در سرنوشت خود پی برده، نیازهای خویش را تامین کند و در زمینه علم و فناوری و ابعاد گوناگون علوم انسانی و هنری، دستاوردهای نوینی خلق نماید (Afshar, 2008; Bron et al., 2015; Esfahani et al., 2013) و سطح کیفی زندگی خویش را ارتقاء دهد. اگرچه در مسیر خلاقیت موانعی وجود دارد؛ بویژه در دوران کودکی، همه کودکان خردسال، از خلاقیت بالایی برخوردارند؛ اما وقتی به سنین بالاتر می‌رسند، خلاقیت آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. این نشان می‌دهد که عوامل و شرایطی وجود دارد که سبب می‌شود خلاقیت کودکان روز به روز کمتر و کمتر شود. شناختن موانع خلاقیت به ما کمک می‌کند که حتی اگر نمی‌توانیم خلاقیت کودکان را با روش‌های درست گسترش بدهیم، دست کم با انجام ندادن این کارها و یا به حداقل رساندنشان در برخورد با کودکان، موانع کمتری برای خلاقیت آن‌ها ایجاد کنیم و خلاقیتشان رو ناپود نکنیم؛ چون از بین رفتن بازدارنده‌ها و موانع خودش می‌تواند کمکی باشد تا زمینه پیشرفت و افزایش خلاقیت کودکان فراهم گردد.

عوامل آسی‌d زای خلاقیت هم ماهیت درونی دارد هم ماهیت فردی و اجتماعی. به لحاظ این ماهیت چرخه آسیب عمیقاً از روحیه و درون

فرد تاثیر می‌پذیرد و همان ویژگی‌های روانی - شخصیتی است که افراد در پاسخ به محرک‌ها از خود نشان می‌دهند. در نگرش و تحلیل قرآن، انسان موجودی فراتر از هر موجودی دیگر است؛ و خلیفه و جانشین خدا بر هستی دانسته شده است. این به آن معنا می‌باشد که در میان آفریده‌های خداوند، هیچ موجودی را نمی‌توان یافت که به پای بشر برسد. در آیات قرآنی بر این نکته تأکید شده که انسان موجودی است که همه اسمای الهی را به صورت نرم افزاری و غیر فعال دارا می‌باشد؛ و تلاش‌های انسانی در یک فرآیند، آن را به شکوفایی و باروری می‌رساند. خلاقیت یک موهبت الهی است که به صورت بالقوه در تمام انسانها وجود دارد و انسان می‌تواند این توانایی بالقوه را تضعیف و از بین برده و یا آن را شکوفا نماید. لذا لازم است موانع و نابود کننده‌های خلاقیت و عوامل تقویت کننده آن را به صورت دقیق تری مورد بررسی قرار گیرد.

معنی و مفهوم خلاقیت

خلاقیت واژه‌ای است عربی که ریشه آن خَلَقَ است که در فرهنگ لغات به معنی بوجود آوردن و خلق کردن آمده است. اصل خَلَقَ، به معنی اندازه‌گیری و تقدیر است و چون آفریدن توأم با اندازه‌گیری است؛ لذا خَلَقَ را آفریده و آفریدن معنی می‌کنند (Qarashi, 1985). راغب اصفهانی واژه خَلَقَ را به معنی نو آفرینی و ایجاد چیزی بدون اینکه، آن چیز سابقه وجودی داشته باشد و ایجادش بدون نمونه باشد، بکار می‌برد (Ragheb Esfahani, 1997). خَلَقَ: صیغه مبالغه و از اسماء حسنی است و دو بار در قرآن آمده است (حجر/ ۸۶، یس/ ۸۱) و خلاق کسی است که عقاید نو دارد. و نیروی فکر خلاق، منشا پیدایش و حل مسائل جدید و نو می‌باشد.

برای واژه خلاقیت توسط صاحب نظران از جنبه‌های مختلف، تعاریف متعددی ارائه شده است. اولین کسی که در سال ۱۹۵۰ جرقه اساسی رو به حوزه خلاقیت ایجاد کرد، گیلفورد می‌باشد. گیلفورد یکی از پیشگامان گرایش به حوزه خلاقیت محسوب می‌گردد. هدف پروژه تحقیقاتی گیلفورد و همکارانش آن بود که درباره ماهیت هوش انسان و فرآیند ذهنی که منجر به ظهور رفتار خلاق می‌شود،

تحقیق کند. او معتقد است خلاقیت شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه است که با الزامات خاصی مطابقت داشته باشد و یا به شکلی مفید باشد (Richard & Elder, 2019). خلاقیت، تولید ایده‌های جدید یا ترکیب دوباره عناصر شناخته شده برای ایجاد چیزی جدید یا ارائه راه حل‌های با ارزش برای یک مشکل است (Tasdiqi, 2005; Weston, 2009).

ورتهایمیر خلاقیت را یک توانایی فردی و فرایند شکستن و دوباره ساختن دانش خود درباره یک موضوع می‌داند (Hashemi et al., 2011).

تورنس در تعریف هنری خود از آفرینندگی، خلاقیت را عبارت از فرایند حساس شدن به مسائل، نقص‌ها شکاف‌های موجود در علم، فقدان عناصر، ناهماهنگی‌ها و شناخت مشکل، جستجوی راه حل‌ها بازسازی آن‌ها و اصلاح و انتقال نتایج می‌داند. خلاقیت در نگاه آنتنی وستون، توانای افکندن نوری بر یک موقعیت، یک چالش و یک مسئله است تا بدین وسیله امکان‌های جدیدی ایجاد شود که قبل از آن آشکار نبوده اند (Hosseini, 2009).

آزویل (۱۹۸۲) خلاقیت یا آفرینندگی را همان استعداد‌های بی‌همتا در یک زمینه ویژه می‌داند. همچنین بائر (۱۹۹۳) معتقد است خلاقیت فرایندی فکری است که راه حلی برای یک مسئله ارائه می‌دهد (Sam Khaniyan, 2005).

تفاوت خلاقیت و نوآوری

خلاقیت و نوآوری، مفاهیم نزدیک و ظریفی هستند که هر کدام شامل تعدادی از فرایندهای متمایز، اما مرتبط با یکدیگر هستند که منجر به نتایج متمایز؛ اما اغلب مرتبط با یکدیگر می‌شوند. از آنجا که در گُنه هر دو مفهوم خلاقیت و نوآوری، ویژگی تازگی و نو بودن قرار دارد و چنان به هم آمیخته اند، که ارائه تعریفی مستقل از هر کدام دشوار است و هر دو را در یک معنا و مترادف هم به کار برده‌اند. در حالی که با دقت در معنای هر دو مشاهده می‌کنیم که تفاوتی بین آن‌ها وجود دارد.

آلبرت می‌گوید: خلاقیت یک فعالیت ذهنی و عقلانی برای به وجود آوردن ایده جدید و بدیع است. حال آنکه نوآوری، تبدیل خلاقیت به عمل و یا نتیجه است. کونتز، نوآوری را به کارگیری نوین ناشی از خلاقیت یاد کرده و معتقد است که نوآوری می‌تواند محصول جدیدی یا خدمت جدیدی برای انجام کار باشد. در حالی که خلاقیت، توانایی و قدرت ایجاد فکر و یا ایده جدید است (Sam Khaniyan, 2005).

خلاقیت، پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر نو است در حالی که نوآوری، عملی ساختن آن اندیشه و فکر است. خلاقیت به توانایی ایجاد اندیشه و ایده‌های نو اشاره دارد؛ ولی نوآوری به کاربردی ساختن، به اجرا گذاشتن یا تولید کالا و خدمات جدید است؛ که هدف از آن، ایجاد منفعت و فایده اجتماعی است (Sobhani, 2018).

بنابراین؛ خلاقیت بیشتر یک فعالیت فکری و ذهنی است، ولی نوآوری بیشتر جنبه عملی دارد. در حقیقت نوآوری محصول نهایی عمل خلاقیت است.

موانع فردی خلاقیت از حیث شناختی

شناخت یعنی پویا بازتاب و بازسازی واقعیت در اندیشه انسانی که به وسیله قوانین تکامل اجتماعی مشروط می‌شود (Hosseini, 2009). شهید مطهری مسئله شناخت را مربوط به علم و ادراک و عقل و مسائل ذهنی و نفسانی می‌داند (Motahhari, 1989, 2018, 1996).

عوامل متعددی وجود دارند که مستقیم یا غیر مستقیم خلاقیت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و آن را تضعیف و یا تخریب می‌کنند. برخی از این عوامل گفتارها و حالت‌هایی است که از فرد صادر می‌شود و در مسیر تحقق خلاقیت نابسامانی ایجاد می‌کند و جنبه فردی دارند و برخی متأثر از محیط اجتماعی است و فرد خود به تنهایی نمی‌تواند به رفع آنان اقدام کند و جنبه اجتماعی دارند که مهمتری موانع فردی عبارتند از:

عدم انعطاف پذیری

افرادی که توانایی تفکر انعطاف پذیر دارند، از توجیهات جایگزین استفاده می کنند، به صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می کنند و موقعیتهای چالش انگیز یا رویدادهای استرس زا را می پذیرند و نسب به افرادی که انعطاف پذیر نیستند از نظر روان شناختی تاب آوری بیشتری دارند (Bron et al., 2013). انسانی که در قالب معینی فکر و عمل می کند انعطاف ناپذیر است و از آنجا که قادر به اندیشیدن درباره ابعاد مختلف مسئله نیست، چنین فردی نمی تواند به تحلیل و بررسی عقاید و افکار بدون توجه به منبع آن بپردازد. مثلاً طبقه بندی های خاصی از افراد و افکار دارد و بر اساس آن قضاوت می کند و اگر عقیده ای مطرح شود به طبقه صاحب نظر توجه دارد. تعصب در بعضی از مسائل مانع ارزیابی صحیح فرد می شود و فرد محدودیت و مرزهایی را برخوردش تحمیل می کند و امکان هر نوع حرکت تازه و نوآوری را از خود سلب می کند و در حقیقت انعطاف ناپذیری را در خودش ایجاد می نماید. در حالیکه انعطاف پذیری، توانایی تفکر با راه های مختلف برای حل یک مسئله جدید بوده و تفکر قابل انعطاف، الگوهای جدیدی برای اندیشیدن طراحی می کند، انسانی که در قالب معینی، فکر و عمل می کند، انعطاف ناپذیر می گردد؛ زیرا توان اندیشیدن درباره ی جهات مختلف مسئله را ندارد. در نتیجه زمینه ظهور افکار و عقاید جدید را پیدا نمی کند.

انعطاف ناپذیری، یکی از موانع فردی خلاقیت از حیث شناختی است. انعطاف پذیری شناختی را به منزله تغییر کانال های تلویزیونی در نظر می گیریم؛ در این مثال، کانال های مختلف تلویزیون، مانند جریان فکری و مفاهیم ذهنی و تلویزیون نیز به مثابه مغز انسان در نظر گرفته می شوند. حال اگر نتوانید کانال های تلویزیونی را تغییر دهید و روی یک کانال خاص به اصطلاح گیر کرده باشید، باید بگوییم که سطح انعطاف پذیری شناختی بسیار پایینی دارید؛ در این صورت نمی توانید جریان فکری یا طرز تفکر تان را تغییر دهید و آموخته های خود را به روز کنید. با وجود این، اگر ریموتی داشته باشید و بتوانید به راحتی کانال های تلویزیون را خیلی سریع عوض کنید، می توانیم بگوییم که

از نظر ذهنی، انعطاف پذیری شناختی بالایی دارید. عدم انعطاف پذیری به معنای توانایی کنار گذاشتن چارچوب های ذهنی بسته گذشته و توانایی دیدن اندیشه های جدید و افکار نو و پذیرش مناسب ترین و کارآمدترین باورهاست. انسان انعطاف پذیر، اشتباه خود را می پذیرد. و در مقابل به آنچه نمی داند، صادقانه به آن اعتراف می کند. انسان خلاق معمولاً به منظور حل مسئله و رسیدن به یک هدف، چندین راه و روش در نظر می گیرد و به یک راه بسنده نمی کند (Pergan, 2012).

انسان خلاق به دانستن و پرسیدن علاقه فراوانی دارد. در حقیقت انسان خلاق هم پرسیدن را دوست دارد و هم به دنبال پاسخ بودن است. لذا طرح سوال و مسأله پردازی از علامت های معمول در افراد خلاق است. انسان خلاق در رویارویی با پدیده ها و اتفاقات، رویکرد فعالانه دارد؛ یعنی سوال هایی در ذهن خود پرورش می دهد و علاقه مندانه می کوشد تا به جواب دست یابد؛ و در این زمینه انعطاف پذیر است. در حالیکه فردی اگر توان اندیشیدن درباره ی جهات مختلف مسئله را نداشته و تنها یک یا دو جهت را می بیند، بتدریج مشارکت جمعی آنان را به حداقل رسانده و آن ها را از ارائه اندیشه ای نو دلسرد می کند. در نتیجه افکار و عقایدی جدید، زمینه ظهور پیدا نمی کند. از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ يَفِيءُ وَرَقُّهُ مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ تُكَفِّئُهَا، فَإِذَا سَكَتَتْ اعْتَدَلَتْ، وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يَكْفَأُ بِالْبَلَاءِ، وَمَثَلُ الْكَافِرِ كَمَثَلِ الْأَرْضِ صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ.

حکایت مؤمن، حکایت کشته ای تر و تازه است که از هر طرف باد بر آن بوزد، خمیده اش می کند و چون باد بایستد، راست می شود. بدینسان مؤمن نیز با بلا کج و خمیده می شود. اما فاجر مانند درخت صنوبر است که سخت و راست است، تا هر گاه که خداوند خواهد و آن را بشکند.

انسان مومن، همچون موجود زنده که در برابر گرفتاریها انعطاف و نرمش به خرج می دهد و برای حفظ مصالح خود روشی منعطف گونه در پیش می گیرد.

قرآن کریم در بیان ویژگی‌های منافقان از توصیف: *كَانَهُمْ خُشْبٌ مِّنْ سِنْدَةٍ* (منافقون/ ۴) مانند چوب‌های خشک در برابر حوادث، کمترین انعطافی ندارند، استفاده می‌کند؛ چرا که خُشْب در لغت عرب، چوب خشک (Qarashi, 1985). غیر منعطف که بر اثر فشار دو نیم می‌شود. انعطاف پذیری در برابر ناملایمات از نشانه‌های مومنان است. جهان طبیعت به ما می‌آموزد؛ زمانی که طوفان سهمگینی بر می‌خیزد، درختان و گیاهان در برابرش مقاومت نموده و با انعطاف و خم شدن خاصی طوفان را رد می‌نمایند و پس از زمانی به حالت اولیه خود برمی‌گردند. ولی درختان خشک بعد از مقاومت اولیه بدون انعطاف، پس از مدتی از پای در می‌آیند. لذا پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) این واقعیت اجتماعی را در حدیث خودش بیان می‌دارد. مومن در برابر حفظ دینش و اعتقاداتش، انعطاف حقیقی داشته و با انعطاف پذیری زمینه رشد و شکوفایی و ارتقاء اندیشه‌های اعتقادی‌اش را فراهم می‌کند. ولی منافق با مقاومت در برابر ایمان به ارزش‌های دینی، هیچ گونه انعطافی نداشته و به جای رشد و شکوفایی فکری در اعتقاداتش، زمینه سقوط خود را فراهم می‌کند. چرا که خداوند متعال از بندگانش تکامل یافتن را می‌خواهد و راه رسیدن به تکامل، انعطاف پذیری در برنامه‌های الهی است.

افرادی که به گونه‌ای ثابت و خشک و در قالبی معین فکر و رفتار می‌کنند، انعطاف ناپذیر می‌شوند، همانند چوبی خشک که اگر آن را خم کنید، می‌شکند. اما گیاه سبز و تازه به هر طرف که برود، نمی‌شکند. افراد غیرمنعطف فقط از یک سو به مسائل می‌نگرند و نمی‌توانند زاویه دید خود را تغییر دهند. این مساله، نوآوری و خلاقیت را می‌خشکاند.

تفکر منفی

امروزه بسیاری از افراد در سیر تفکر خود به دلیل عدم آشنایی با اصول تفکر منطقی و صحیح، ناخواسته دچار خطای شناختی می‌شوند. عدم آگاهی از خطاهای شناختی، نتیجه بسیار خطرناک و سهمگین به همراه دارد. آلبرت الیس روان‌شناس معروف، این خطاها را شناسایی و در قالب ده خطای شناختی معرفی نموده است.

انسانهایی که تفکر غیر منطقی دارند و یا خطاهای شناختی در افکارشان هویدا است، در بسیاری از موارد، اطلاع چندانی از این خطاها ندارند. شاید عدم اطلاع باعث آلودگی این افکار با خطاهای شناختی می‌شود. لذا بسیاری از نگرانی‌ها، حالات و افکار نامطلوب که در پشت این خطاهای شناختی وجود دارند، با اطلاع رسانی از بین می‌روند (Shakouri, 2020).

این حالت ممکن است نسبت به خود و دیگران به صورت احساس ناتوانی، کم ارزشی، بدبینی و ناامیدی ظهور یابد؛ که مانع جدی برای تفکر خلاق است. بی‌توجهی به ایده‌ها و افکاری که می‌تواند سازنده باشد، نمونه آشکار از منفی گرایی است. انسان خلاق در خصوص ناملایمات، تفکر منفی به خود راه نمی‌دهد. اگر انسان نتواند این ناملایمات را تحمل کند، با افول ایده جدید مواجه خواهد شد. یکی از مهم‌ترین موانع روانی، تفکر منفی داشتن نسبت به خود و اطراف است. بنابراین تفکر منفی و بدبینانه می‌تواند عاملی باز دارنده، حتی برای افراد خلاق و پدیدآور باشد و طرز تلقی مثبت از خصوصیات افراد آفریننده است.

الینور روزولت معتقد است هر انسانی ممکن است اشتباه کند ولی فرد منفی باف همیشه به چیزهای منفی فکر می‌کند و آن را تکرار می‌کند تا برایش تبدیل به عادت شود (Faqi, 2013). وقتی عادت شد گرفتار آسیب‌های روانی می‌گردد و خلاقیت و و قدرت فکر کردن از او گرفته می‌شود.

در قرآن کریم از تفکر منفی، به سوءظن یاد شده و انسانهای مومن را از این نوع تفکر برحذر می‌دارد. خداوند می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ (حجرات/ ۱۲)*. در آیه‌ای دیگر، گمان بد را زمینه هلاکت می‌داند. لذا می‌فرماید: *وَلَا تَنُنَّظُ ظَنُّ السَّوِّ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (فتح/ ۱۲)*.

بدبینی، آفتی بزرگ برای سنجش منطقی انسان است. بدبینی در طرز تفکر و ادراک انسان، اختلال به وجود می‌آورد؛ به گونه‌ای که هرگز نمی‌تواند به صورت عقل پسند و واقع بینانه از حوادث، داوری و

تحلیل کند. امام علی^(ع) فرمودند: مَنْ سَاءَ ظَنُّهُ سَاءَ وَهْمُهُ. هر کس گمانش بد باشد (سوء ظن داشته باشد) تفکرش بد خواهد بود. سوء ظن یعنی این که انسان نسبت به دیگران بدگمانی و بدبینی داشته باشد و به تعبیری، به همه چیز با عینک بدبینی بنگرد، بطوری که گفتار و کردار دیگران را در اکثر موارد، حمل بر جهت منفی کند. مثلاً اگر کسی به او ابراز محبت کند، او با خود می گوید حتماً این شخص در صدد سودجویی و سوءاستفاده از من است؛ زیرا این صفت رذیله نتیجه ترس و ضعف نفس است. انسان ضعیف النفس، هر فکر فاسدی را که به خاطرش می گذرد و به ذهنش خطور می کند، می پذیرد و به آن ترتیب اثر نیز می دهد. افکار بد، به آن دسته از افکاری گفته می شود که به صورت ارادی یا غیر ارادی، به ذهن هجوم می آورد و موجب آزار فرد و اختلال در عملکرد و زندگی روزمره می شود. گاهی این افکار از طریق محیط بیرونی وارد ذهن شده و گاهی اوقات، ساخته ذهن و تخیل خود فرد است.

افکار منفی باعث ضعف حافظه می شوند؛ افراد ضعیف نیز قدرت انجام کارهای پرریسک را ندارند. زمانی که افراد فقط موارد منفی را می بینند، کارایی، خلاقیت و مهارت های تصمیم گیری آنها تا حد زیادی کاهش پیدا می کنند؛

احساس عدم نیاز به خلاقیت

اینکه احساس کنیم نیازی به خلاقیت نداریم، خود یکی از موانع خلاقیت است. اگر یک نفر بیاید و بر فرق سر فردی خجالتی، بگوید و بگوید: خجالت نکش، مسلماً نه تنها از خجالتش کم نمی شود بلکه بیشتر هم می شود. در فضای درون خانواده، فکر و اندیشه والدین و رفتار آنها بیش از هر چیز دیگر خودنمایی می کند. دنیایی از افکار، بینش ها و الگوهای درست و نادرست هست که در مسیر تعالی خانواده و فرزندان خلل یا تسهیل ایجاد می کند. اگر در خانواده ها احساس بی نیازی به خلاقیت پیدا شود و فضای سختگیرانه حاکم گردد؛ در این فضا، افکار، رفتار، احساسات و انگیزه های فرزندان مورد نظارت و هدایت سختگیرانه والدین قرار می گیرد. در این خانواده ها، کودکان و فرزندان، آزادی چندانی ندارند. والدین بایدها

و نبایدها و مقررات دست و پاگیر و سختی برای فرزندان وضع می کنند. در واقع این فرزندان نیستند که اهمیت دارند، بلکه عقاید و انتظارات سختگیرانه والدین است که باید محترم شمرده شود. تعامل والدین با فرزندان، خشک و غیر منعطف است. لذا آنچه والدین می گویند باید بی کم و کاست پذیرفته شود و سؤال و جواب جایز نیست. پدید آوردن چنین شرایطی در منزل و اصرار و پافشاری بر رعایت کردن آنها از جانب کودکان سبب می شود تا کودک تدریجاً به قالبی و تکراری رفتار کردن عادت کند. باید توجه داشت که افکار و رفتارهای کلیشه ای و تکراری نقطه متضاد خلاقیت است. در برخی خانواده ها نیز فضای سهل گیرانه بوده و مقررات دست و پاگیر وجود ندارد. در این فضا والدین تا حد افراطی نسبت به فرزندان خویش، بی توجه و خونسرند. فضای عاطفی این خانواده ها نیز شبیه به خانواده های سختگیر است؛ یعنی آنها نیز نسبت به آنچه در درون فرزندان شان می گذرد، بیگانه اند و نمی دانند کودکان چه علاقه ای دارند. به چه چیزی عشق می ورزد، و توانایی خلق و ابداع چه چیزهایی را دارند. متأسفانه ارتباط کلامی و رفتار والدین سهل گیر با فرزندان بسیار سطحی و مقطعی است.

در هر دو حالت، فضای مناسبی برای رشد و پرورش کودکان وجود ندارد و منبع هدایت کننده متعادل و مناسبی به منظور مدیریت و رهبری افکار احساسات و رفتار نیست. در چنین فضایی، تفکر و شخصیت خلاق، امکان رشد و حرکت را ندارد. در دوران رشد، انسان خلاق همواره به الگوهای تربیتی نیازمند است که برای او نقش معلم و مربی دلسوز را در تجربه و تمرین عناصر خلاقیت و تعمیق و استحکام آنها داشته باشد. فرد خلاق بی درنگ در مقابل الگوهای کاملاً سختگیرانه، واکنش نشان خواهد داد. در واقع، خلاقیت به محدودیت ها، سختگیری ها و قیدوبندهای خشن و تحکم آمیز، حساس است. لذا در این شرایط، توقف رشد یا تخریب عناصر خلاقیت مورد انتظار خواهد بود (Qaemi Moghadam, 2011).

ورشدها را رها کرده و بدنبال گمراهی بوده و این ظلمت و گمراهی مانع رشد و تفکر و بهره مندی از حقایق و دیدگاههای نو می گردد.

موانع اجتماعی خلافت از حیث شناختی

این موانع متأثر از محیط اجتماعی، بیشتر در محیطهای خانوادگی و آموزشی تجلی پیدا می کنند. برخی از این موانع عبارتند از:

استبداد زدگی و خودکامگی

اینکه استبداد به عنوان یک آسیب اجتماعی و پدیده سیاسی اجتماعی، چگونه به وجود می آید؟ و چه زمینه ها و عواملی در شکل گیری آن مؤثر است و باعث تداوم آن می شود؟ ریشه تاریخی عمیقی داشته و پاسخ به آن، گونه های مختلفی دارد. افلاطون می گوید: «استبداد، زائیده دموکراسی است» (Plato, 1980). بدان دلیل که در چنین نظامی همه آزادند، همه جا پر از آزادی است. هر کس آنچه بخواهد، می گوید و هر کاری که موافق میلش باشد، انجام می دهد (Plato, 1980). ارسطو نیز همین عقیده را داشت. او بر این باور بود که ستمگران همیشه در آغاز، رهبران مردم فریب داده اند که با ناسزاگویی به اعیان، نزد عوام، قدر و احترام یافته اند (Fallah Rafiei, 2004). نوآوری و شکوفایی با استبداد طلبی و خودکامگی در تضاد آشکار است. امام علی (ع) پرهیز از استبداد را در تمام دستوراتش مد نظر قرار داده و به کارگزارانش می فرماید: هرگز به هنگامی که خشمگین می شوی و راه چاره ای برای آن می یابی به انجام اقدام خشن شتاب مکن (و تصمیم ناگهانی مگیر) هرگز مگو من امیرم؛ امر می کنم و از من اطاعت می شود؛ که این، موجب دخول فساد در دل تو و ضعف و خرابی دین و نزدیک شدن دگرگونی ها (در قدرت تو) است و هرگاه بر اثر قدرتی که در اختیار داری کبر و غرور یا عجب در تو پدید آید، به عظمت قدرت خداوند که فوق توست و بر اموری نسبت به تو قادر است که تو درباره خویشتن قدرت آن را نداری نظر بیافکن، زیرا این نگاه تو را از آن سرکشی پایین می آورد و از شدت و تندتو می کاهد و آنچه از نیروی عقلت از دست رفته به تو باز می گرداند (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۶۵).

این موضوع نشان می دهد که خداوند راه ورودی خلافت را برای افراد فراهم کرده است و او را شنوا و بینا قرار داده تا بتواند گوش کند و ببیند و به آزمایش دست بزند، که این عامل خلافت را در او افزایش می دهد. اینکه فردی خلافت ندارد؛ یعنی راه های ورودی خلافت را بر روی خود بسته است و عدم نیاز به خلافت در او احساس نمی شود.

امام علی (ع) می فرماید: أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ ظَنَّ أَنَّهُ أَعْقَلُ النَّاسِ اَحْمَقُ ترین خلق کسی است که خود را عاقل ترین خلق بداند (Tamimi Amedi, 1990).

وقتی شخصی گمان کرد که دیگر احتیاجی به پیشرفت ندارد، باید تابوت خود را آماده کند. چون انسان وقتی بر این تصور باشد که هیچ نیازی به رشد و پیشرفت ندارد، قطعاً از مشورت دیگران بی بهره می گردد. درحالی در غرر الحکم آمده است عاقل کسی است که با فکر درست به استقبال نظرات گوناگون برود و درعواقب امور بیاندیشد (Tamimi Amedi, 1990). انسانی که عاقل نیست، راه تکبر و خودکامگی را در پیش می گیرد و درهای رشد و پیشرفت را به روی خود می بندد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (اعراف، آیه ۴۶).

من آنان را که در زمین به ناحق کبر و بزرگ منشی کنند از آیات خود رو گردان و معرض خواهم ساخت، و اگر هر آیتی ببینند به آن ایمان نیاورند و اگر راه رشد و هدایت یابند، آن را نپیمایند و اگر راه جهل و گمراهی یابند، آن را پیش گیرند. این (ضاللت آنها) بدین جهت است که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل و معرض بودند.

انسان متکبر کسی است که به گمان خود برترین خلق است و از استقبال نظرات دیگران دوری می کند. اینگونه انسانها راه هدایت

هنگامی که فرهنگ استبداد زدگی بر جامعه‌ای حاکم باشد، انسان‌های مستعد و پرانرژی که دارای اندیشه‌های درخشانی می‌باشند در لاک خویش فرو رفته و از ترس برخوردهای ستمگرانه و تحقیرآمیز، از بروز اندیشه‌های نو و شکوفایی استعدادهایشان خودداری کرده و به ریا و تظاهر روی آورده‌اند. امام علی (ع) استبداد را عامل اصلی رکود فکری معرفی نموده و فرموده است: وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ تَحْتَ [عند] هَوَى أَمِيرٍ (نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۴۵۲).

حکومت استبدادی، زمینه‌های عمل خلاقانه را نابود می‌کند؛ زیرا تغییر و تحول در نگاه چنین حکومتی، بنیان آن را به خطر می‌اندازد و به هیچ وجه نمی‌تواند برانگیزنده‌ی عمل خلاق باشد، حتی هرج و مرج و ناامنی حکومت استبدادی نیز عملی آگاهانه و خلاقانه نیست، بلکه عمل خودسرانه در جهت استفاده از شرایط موجود برای تأمین بقاء، شکل می‌دهد. حکومت استبدادی نه می‌تواند به نگرش کلی از جهان در سیستمی از ایده‌ها دست یابد و نه شرایط تحقق آن در جامعه را فراهم آورد (محمدی، ۱۳۸۶، شماره ۱۱).

در منظومه دینی، استبداد و خودکامگی نه تنها امری غیرقابل تحمل است، بلکه موانعی هم برای خلاقیت انسان در جهت توسعه شخصی و رشد او است. شرط لازم برای مستقل اندیشیدن و پروراندن فکر، رهاسازی فکر از هرگونه استبداد است؛ چرا که به عنوان یکی از موانع عملکرد مستقل اندیشه به حساب می‌آید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱، ص ۶۶۴)؛ هر کس استبداد در رأیش داشته باشد، هلاک می‌گردد. مرحوم علامه مجلسی در حدیثی از بحارالانوار از امام علی بن موسی الرضا^(ع) نقل می‌کند که یکی از یارانش می‌گوید: خدمت آن حضرت بودیم سخن از پدرش امام کاظم^(ع) به میان آمد. فرمود: «كَانَ عَقْلُهُ لَا يُوَازِنُ بِهِ الْعُقُولُ وَرَبَّمَا شَاوَرَ الْأَسْوَدَ مِنْ سُودَانِهِ فَقِيلَ لَهُ: تُشَاوِرُ مِثْلَ هَذَا؟ فَقَالَ: إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّمَا فَتَحَّ عَلَى لِسَانِهِ (Majlesi, 1982) عقل او قابل مقایسه با عقول دیگران نبود؛ ولی با این حال گاهی با بعضی از غلامانش مشورت می‌کرد. بعضی به آن حضرت گفتند: شما با مثل چنین

شخصی مشورت می‌کنید؟ فرمود: اگر خدا بخواهد چه بسا راه حل مشکل را بر زبان او جاری کند. با توجه به تعالیم الهی، انسان باید مشورت کند، نصیحت را گوش کند و از استبداد و خودکامگی دوری گزیند. و خود را با دیگران در ارتباط قرار دهد تا بتواند به خلاقیت و رشدش پی ببرد.

پیشداوری (پیش فرض‌های نامناسب)

یکی از عواملی که در کنش و واکنش‌های اجتماعی تأثیر منفی فراوانی دارد، پیش‌داوری است. افرادی که مبتلا به این رذیلت شده‌اند، در حقیقت قدرت تشخیص واقع‌بینانه را از دست داده و به کوررنگی مبتلا شده‌اند. ناگفته پیداست که پیش‌داوری بر دو نوع است؛ پیش‌داوری منفی که در زبان دین، به آن سوء ظن گفته می‌شود و پیش‌داوری مثبت که به آن حسن ظن گفته می‌شود. هر چند که هر دوی آن‌ها موجب انحراف انسان از صراط مستقیم و رسیدن به حقیقت می‌شوند، اما در معارف دینی ما بیشتر از سوء ظن نهی شده است و آن را گناه به شمار آورده است. قرآن کریم در این باره به پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَئِذَا بَدَأْتُمُ الْبُيُوتَ لِلْإِسْلَامِ مِنْ رَبِّكُمْ تَقُولُونَ نَحْنُ الْمُسْلِمُونَ (مائدة / ۶۸)؛ بر این اساس، نه تنها باید معارف دینی را به گوش انسان‌ها رساند، بلکه پیش از آن باید نگران زمینه‌ی مساعد پذیرش حق بود تا نتیجه‌ی عکس ندهد. افرادی که در این وادی افتاده‌اند، به جای تکیه بر علم و یقین، بر حدس و گمان تکیه می‌زنند؛ چون براساس حدسیات خود گام برداشته و لذا توان پیمایش صحیح برای رسیدن به حقایق را نداشته، قدرت خلاقیت و نوآوری را از دست می‌دهند. در آیه ۳۶ سوره یونس نیز کسانی که از مظنون پیروی می‌کنند مورد مذمت قرار گرفته‌اند: وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ. مرحوم طبرسی در تفسیر خویش این چنین آورده است: همانا گمان به هیچ وجه، جای حق را نمی‌گیرد، زیرا حق در صورتی نفع می‌بخشد که انسان علم به حقایق آن داشته و از روی معرفت صحیح آن را بشناسد و گمان این چنین

نیست، زیرا ممکن است آنچه مورد گمان واقع شده به خلاف حقیقت باشد و از این رو با علم برابری نکند (Tabarsi, 2005). پیشداوری در مورد رفتار، گفتار و حتی نیت و اندیشه دیگران، آسیب رفتاری است که رواج آن، پیکر فکری و روانی اعضای جامعه، روابط بین فردی و مدنی را می‌خراشد. حضرت امیرمؤمنان علی (ع) در این رابطه فرموده‌اند: *سُوءُ الظَّنِّ يَفْسِدُ الْأُمُورَ وَيَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ* (Reyshahri, 1999, 2007). بدگمانی کارها را تباه می‌کند و باعث روی آوردن به انواع بدی‌ها می‌شود. بنابراین پیش داوری، پارسایی را از آدمی سلب نموده و زمینه‌ی پذیرش حق را از انسان می‌گیرد. سوء ظن چون یک تفکر انحرافی است، تدریجاً در سایر افکار انسانی نیز اثر می‌گذارد، و تحلیل‌های او نیز از حوادث، نادرست می‌شود؛ و از رسیدن به واقعیت‌ها که زمینه پیشرفت و موفقیت است، باز می‌ماند (Makarem Shirazi, 2008). امیرمؤمنان علی (ع) در حدیثی چنین می‌فرمایند: *مَنْ سَاءَ ظَنُّهُ سَاءَ وَهُمُّهُ* (Reyshahri, 2007). کسی که سوء ظن داشته باشد، تفکر او خراب می‌شود. این گونه افراد چون چیزها را آن گونه که هست نمی‌بینند، نه تنها قدرت خلاقیت و نوآوری را از دست داده‌اند، بلکه وظایف حداقلی خویش را هم با سختی و دشواری به انجام می‌رسانند.

در قرآن و روایات اسلامی، خداوند خلاقیت را به عنوان یک صفت مخصوص به خود می‌نمایاند. او مؤسس و خالق هستی بوده و تمام جهان را با دانش و قدرت خود خلق نموده است. از این رو، خلاقیت و نوآوری برای انسان‌ها، مقدس و حیاتی است. با توجه به اینکه انسان بر تمام خلاق دیگر ارجحیت دارد، داشتن خلاقیت به معنی بهبود زندگی و پرورش تمام جوانب انسانی است.

بنابراین، تفکر و ابتکار خلاقانه انسان بستگی دارد تا به جای پیش فرض‌های نامناسب و محدودیت‌ها، راهکارهای نوین و خلاقانه ارائه دهد. اگر انسان در تفکر و عمل خود نسبت به امکانات ناشایست و نامناسب پیروی کند، او نمی‌تواند عبور کند و در نتیجه خلاقیت و ابتکار در زندگی خود را از دست خواهد داد. به همین دلیل، پیش

فرض‌های مناسب و نظرات صحیح باید با تفکر و خلاقیت مرور شوند تا بتوان راه حل‌های بهتر و نوین را برای مسائل موجود پیدا کرد. پیش فرض‌ها، از آنجا که به مفروضات و عقایدی بدون آگاهی، تعمق یا تفکر، در ذهن ایجاد شده‌اند و همواره به طور ناخودآگاه بر ذهن، عقل، منطق و توجه انسان تاثیر می‌گذارند. اجازه نمی‌دهند راه حل‌های جدید به اجرا در آید.

سامانه مغز انسان به صورتی است که هریک از اطلاعاتی که از طریق حواس وارد ذهن می‌شوند؛ به یک صورت ذهنی تبدیل می‌گردند. کلیه اصوات، رایحه‌ها، مناظر و احساسات در نهایت در ذهن تبدیل به یک صورت ذهنی شده، در حافظه ذخیره می‌شود. تصور کنید مغز انسان شبیه ژله است که چکیدن قطرات آب روی آن به مرور زمان، نقوشی را روی آن حک می‌کند. اگر موضوعاتی را که وارد ذهن می‌شود به قطرات آب تشبیه کنیم، موضوع واضح تر می‌شود. حال اگر یک موضوع چندین بار به ذهن وارد شود، یعنی چندین بار قطرات آب در یک نقطه از ذهن برخورد کند، به مرور محل اصابت این قطرات، عمیق تر و وسیع تر شده و تبدیل به یک قالب ذهنی کهنه و عمیق می‌گردد. این قالب‌های ذهنی، در اثر تکرار زیاد در ضمیر ناخودآگاه رسوب کرده، ملکه ذهن انسان می‌شود و تغییر دادن آن‌ها بسیار مشکل خواهد بود.

قالب‌های ذهنی به مفهوم مفروضات پایه و حک شده در ذهن، اعتقادات عمومی یا برداشت‌های کلی ما که به طور ناخودآگاه، بر درک و فهم ما از جهان و بر افعال و اقدامات ما اثر می‌گذارد. این قالب‌های ذهنی، درک انسان و سرنوشت و سعادت دنیوی و اخروی او را تحت تاثیر قرار می‌دهند. پاستور دانشمند فرانسوی معتقد است بخت و اقبال به سراغ ذهنی می‌رود که آماده باشد. وی بر این عقیده بود که اگر چیزی به نام شانس وجود داشته باشد، به سراغ افرادی خواهد رفت که ذهن خود را آماده کرده باشند. امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: *الْعَاقِلُ مَنْ أَتَاهُمْ رَأْيُهُ وَلَمْ يَثْقُبْ كُلَّ مَا تُسَوَّلُ لَهُ نَفْسُهُ*؛ خردمند کسی است که اندیشه خود را به اصرار صحیح نداند و به آنچه نفسش برای او می‌آراید، اطمینان نکند. قالب‌های ذهنی بر همه شئون و

امور زندگی فردی و اجتماعی انسان اثر می‌گذارد. از کار و صنعت، از دین و خلاقیت و غیره. اما این قالب‌ها چطور بر ذهن تاثیر می‌گذارد و از کجا می‌آیند و چگونه باید آن‌ها را شناخت، مهم است. دکارت فیلسوف فرانسوی متوجه شد که بسیاری از چیزهایی که در ذهن خود دارد، به طور ناخودآگاه رفتار او را هدایت می‌کنند. وی به این نتیجه رسید که بسیاری از آن‌ها ممکن است در زمان خاصی در ذهنش شکل گرفته باشد. اگرچه در آن زمان صحیح بودند، اما احتمال آن هست که به مرور زمان لزوم و صحت خود را به دلیل تغییر شرایط و پیشرفت‌های علمی از دست داده و در نهایت آن دسته از عقاید و باورهایی که صحیح بودند با قوت و اطمینان خاطر بیشتری اساس فکر خود قرار دهد.

قالب‌های ذهنی در دین اسلام و علوم معارف اسلامی و در بسیاری از اشعار مذهبی و عرفانی مورد توجه بوده است. تمام ادیان و به خصوص اسلام برای شکستن قالب‌های ذهنی غلط رایج در زمان خود سعی زیادی کرده و متحمل سختی‌ها و فشارهای شدیدی شدند. چه زیبا مولانا گفته:

هست خاشاک تو صورت‌های فکر
نو به نو در می‌رسد،
اشکال بکر (مولانا، دفتر دوم، بخش ۹۴)

قالب‌های ذهنی به طرق مختلف، مانع خلاقیت می‌شوند: اول آنکه؛ قالب‌های ذهنی مانع شناسایی مشکلات بطور واقعی و درست می‌گردند. اساساً لازمه هر خلاقیتی، وجود نیاز است. فرد خلاق نیاز یا سوالی را شناسایی می‌کند و به دنبال حل و پاسخی خلاقانه برای آن می‌گردد؛ یا صاحب ایده‌ای است که به دنبال مشکل یا نیازی می‌گردد که ایده‌اش چاره مناسبی برای آن یا راه حل مناسبی برایش باشد. به هر حال، یک فرد خلاق، مسئله‌ای در ذهن دارد که باید آن را حل کند. اما قالب‌های ذهنی باعث می‌شوند افراد در بسیاری از اوقات، مسئله را اشتباه شناسایی کنند. خداوند در آیه ۱۷۹ سوره اعراف می‌فرماید: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ. قالب‌های ذهنی

اجازه نمی‌دهند مشکل درست تعریف شود. برخی انسان‌ها حیوان صفت‌اند، یعنی فکر بیدار، چشم بینا و گوش شنوا ندارند و حقایق را درک نمی‌کنند و در مورد نتایج امور نمی‌اندیشند، لذا قدرت ایده پردازی و فکر کردن ندارند؛ در حالی که امتیاز انسان‌ها به همین امور است (Rezaei Esfahani, 2008). درست همانند ملت‌هایی که تحت شعارهای فریبنده انسانی، آخرین هدف عدالت اجتماعی و قوانین بشری را رسیدن به آب و نان و یک زندگی مرفه مادی می‌پندارند. ملت‌هایی که اندیشه‌های خود را از کار انداخته‌اند و به سرگرمی‌های ناسالم روی آورده‌اند و در ریشه‌های بدبختی خود نمی‌اندیشند و در عوامل ترقی فکر نمی‌کنند، نه گوش شنوا دارند و نه چشم بینا، آن‌ها نیز به تعبیر قرآن، دوزخی هستند. نه تنها در دوزخ قیامت، بلکه در دوزخ زندگی این دنیا نیز گرفتارند (Makarem Shirazi, 1991). هدف از توصیف افراد با این صفات، نفی شعور و آگاهی است. می‌گویند فلانی کر و لال و کور است، یعنی چیزی درک نمی‌کند و لذا در آیه مبارکه پس از این سه وصف می‌فرماید: «فهم لا یعقلون». چیزی نمی‌فهمند. جهت آن نیز روشن است زیرا عقل و خرد از مجاری حس، مایه می‌گیرد و هرگاه فردی این سه حس را از دست داد یا از آن‌ها بهره نگرفت، طبعاً دستگاه تفکر او نیز تعطیل می‌شود و در حقیقت آیه مبارکه به این نکته که در شناخت به آن توجه کامل هست، اشاره می‌نماید.

دومین مسئله؛ تعریف مشکل است. خیلی از اوقات، افراد خلاق این‌که چرا مسئله‌شان را نمی‌توانند حل بکنند. چون مسئله را درست تعریف نکردند. از آنجا که هدف اصلی ساختار ذهن، الگوسازی است. اگر ذهن به دلیل سرعت زیاد، قالب مناسبی را برای درک موضوع انتخاب نکند، درک ما از موضوع ناقص یا مبهم خواهد بود.

نکته سوم؛ زمانی که از درون آن قالب به موضوع نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم پی به اشتباهمان ببریم. مگر به کمک یک وسیله‌ای که از خارج، ما را تحریک می‌کند تا متوجه اشتباهمان شویم. لذا خداوند متعال برای انسان هم راهنمای درونی به نام فطرت و وجدان قرار داده و هم راهنمای بیرونی به نام اولیا و انبیا الهی را قرار داده است.

چهارمین مانعی را که قالب‌های ذهنی، در خلاقیت ایجاد می‌کنند، این است که اجازه نمی‌دهند بهترین راه حل را انتخاب کنیم. ذهن انسان طوری طراحی شده که قالب‌های ذهنی پرمصرف و به طور غیر ارادی به تدریج به پایین‌ترین ضمیر ناخودآگاه ما رفته و تبدیل به الگوهای رفتاری و یا عادات رفتاری می‌شود.

اسلام می‌خواهد انسانی بسازد که به مقام خلیفه الهی برسد و برای رساندن او به این مقام خداوند که خالق و سازنده انسان است و از هر چیز به او نزدیک‌تر است (ق/۱۶) و تمام محاسن و معایب و نیازمندی‌ها و به طور کلی خصوصیات فردی و اجتماعی و سعادت دنیایی و اخروی او را می‌داند، یک سری احکام و دستورالعمل‌هایی به او داده که در زندگی اجرا کند. آیات قرآن، انسان را به تفکر تشویق می‌کند. البته تفکری فطری و استراتژیک، که فقط از یک ذهن سالم و خداشناس و کمال‌گرا حاصل می‌شود. تفکر استراتژیک تفکری است آینده‌نگر، همواره در جستجوی حقیقت است انسان با چنین تفکری بیشتر به اصول و ریشه‌ها و بطون توجه دارد تا به ظواهر. ارزش فرصت‌ها را به خوبی می‌داند و در جستجوی فرصتی برای رشد و کمال است. در اسلام دستورات زیادی وجود دارد که چنین ذهنی را آماده می‌کند. انسان با ذکر الهی، قالب‌های ذهنی را در ذهن خودش حک می‌کند که به مرور بر اثر تکرار، تبدیل به یک الگوی رفتاری می‌شود.

قالب‌های ذهنی باعث می‌شوند انسان نتواند واقعیت بیرونی را ببیند یا آن را ناقص می‌بیند و یا از آن چیزی را ببیند که دلش می‌خواهد، ببیند. و در ظلمت و ضلالت می‌ماند. خداوند چشم و گوش و عقل آن‌ها را می‌گیرد و می‌بندد. آن‌ها با وجود داشتن همه این‌ها، اما نمی‌بینند و نمی‌شنوند. البته خداوند متعال هر کاری را به هر روشی که اراده کند، می‌تواند انجام دهد. اما سنت خدای متعال این است که این امور این دنیا از مجاری اسباب به جریان اندازد. حتی معجزه نیز مانند سایر امور خارق‌العاده از اسباب عادی خالی نیست و مانند امور عادی محتاج، سببی طبیعی است (Tabatabai, 1995). در سنت نبی مکرم اسلام هم وجود دارد که هر وقت پیغمبر به جایی

می‌رفت از همان راه بر نمی‌گشتند. توصیه می‌کردند که همیشه در یک محل نماز نخوانید. و لذا امام موسی کاظم (ع) فرمودند: مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزَّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ قَالَمُوتٌ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ (Majlesi, 1985).

کسی که دو روزش با هم برابر باشد، زیان کار است. کسی که امروزش، بدتر از دیروزش باشد، از رحمت خدا به دور است. کسی که رشد و بالندگی در خود نیابد، به سوی کاستی‌ها می‌رود و آنکه در راه کاستی و نقصان گام بر می‌دارد، مرگ برایش بهتر از زندگی است. این‌ها نشان می‌دهد که انبیا الهی هیچگاه اسیر قالب‌های ذهنی نمی‌شوند.

تجحر و جمود

یکی از عواملی که مانع بروز ایده‌های نو و خلاق می‌شود، جمود و تجحر فکری است. منظور از جمود، خشک مغزی (Ibn Manzur, 1996). بسته بودن ذهن، تنگ نظری و داشتن اندیشه ساکن و راکد است. تجحر عبارت است از نپذیرفتن افکار نو از سوی ذهن و از بین رفتن حیات و تکاپوی ذهنی، همانند سنگی که نه چیزی در آن نفوذ می‌کند و نه رشدی برای آن قابل تصور است (Esfandiari, 2003).

متجحر به کسی گفته می‌شود که در برابر هر نوع تحول و نوآوری سختی نشان داده و اندیشه‌های همسان با اندیشه‌های خویش را پذیرفته و از پذیرش اندیشه‌های دیگر به شدت اجتناب می‌ورزد. علاوه بر آن، نسبت به وسایل و ابزارهای جدید بی‌توجه و از کاربرد مطلوب آن غفلت می‌ورزد. تجحر و مطلق‌نگری یکی از بازدارنده‌های جدی بر سر راه نوآوری و شکوفایی است. چون افرادی که در دام تجحر گرفتار آمده اند فکرشان از پوییدن و بالیدن محروم مانده و با هر نوآوری، مخالفت می‌ورزند. هر چند ممکن است که این دسته از انسان‌ها در عمل خیلی کوشا و فعال باشند، ولی در حوزه اندیشه، دچار ایستایی و سنگ‌وارگی گشته و جامعه را از رسیدن به تعالی و توسعه بازمی‌دارند. اولین گروهی که در تاریخ

اسلام به جمود و تحجر مبتلا شدند، خوارج بودند. امام علی (ع) درباره آنها فرمودند: أُرِيدُ أَنْ أَدَاوِيَ بِكُمْ وَ أَنتُمْ دَائِي، كَنَاقِشِ الشَّوْكَهَ بِالشَّوْكَهَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ ضَلْعَهَا مَعَهَا (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱، ص ۲۳۰).

می‌خواهم به وسیله شما بیماری‌ها را درمان کنم ولی شما درد بی درمان من شده اید، کسی را می‌مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می‌خواهد آن را بیرون کشد، در حالی که می‌داند خار در تن او بیشتر شکند و بر جای ماند.

جمود و رکود فکری، از آفت‌های خطرناکی است که فرد را از اندیشیدن و بهره بردن از تجربه‌های فکری دیگران محروم می‌کند و توقف و انحطاط را در پی دارد. جوانی که در حال رشد فکری و تکامل است، همواره در معرض افکار گوناگون و جدید قرار دارد. او هنگامی می‌تواند به موفقیت و نوآوری برسد که به جای پذیرش از روی تقلید یا طرد بی دلیل و متعصبانه، با تحلیل درست و منطقی به ایده‌های نو برسد. دکتر الکس آس. اسبورن معتقد است یکی از دلایلی که ما هر چه بیشتر رشد کنیم، خلاقیتمان کمتر می‌شود، آن است که قربانی عادات می‌شویم. لذا در نتیجه تحصیلات و تجارب، عوامل بازدارنده‌ای در ما ایجاد می‌شود که طرز فکر ما را به سوی جمود می‌کشاند و این در هنگام برخورد خلاق ما با مسائل، مانع ایجاد می‌کند.

در فرهنگ قرآنی انسان متحجر کسی است که عقل و دل او از پذیرش سخن حق و معجزات آشکار خداوند و پیروی از دستورهای الهی، مقاومت می‌ورزد. لذا خداوند در آیه ۷۴ سوره بقره می‌فرماید:

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنْ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.

آیه شریفه شدت قساوت قلوب آنان را، این طور بیان کرده: که بعضی از سنگ‌ها احياناً می‌شکافند و نهرها از آنها جاری می‌شود و میانه سنگ سخت و آب نرم شکاف انداخته، چون معمولاً هر چیز سختی را به سنگ تشبیه می‌کنند، هم چنان که هر چیز نرم و لطیفی را به آب مثل می‌زنند. می‌فرماید: سنگ به آن صلابتش، می‌شکافد و انهار می‌زند.

از آب نرم از آن بیرون می‌آید، ولی از دل‌های اینان، حالتی سازگار با حق بیرون نمی‌شود، حالتی که با سخن حق و کمال واقعی سازگار باشد (Tabatabai, 1995). در حقیقت منظور، انسان‌هایی است که تمام وجودشان سخت و سیاه شده و در برابر اندیشه، شناخت و شهود، نفوذ ناپذیرند و از جرگه‌ی اصحاب تفکر، اندیشه و ذوق، خارج و هدایت ناپذیرند.

با توجه به مطالبی که گفته شد در سبک زندگی اسلامی، تحجر و مطلق نگری تضاد آشکاری با نوآوری و شکوفایی دارد، اندیشه‌های متحجر نه تنها از پویدن و بالیدن بی‌بهره اند، بلکه هر نوآوری و ابتکاری را نیز بدعت معرفی می‌کنند. بر این اساس است که می‌توان گفت تحجر و مطلق نگری دو پیامد زیان‌بار را در سبک زندگی آدمی پدید می‌آورد. نخست؛ اختلال در دریافت ذهنی، چون با چیزهای جدید به صورت گزینشی برخورد نموده و هر چه مورد پسند آنها نباشد، مطرود، مطعون و ابزار شیطان معرفی می‌کنند. دوم؛ اختلال در تحلیل افکار نو زمانی می‌تواند موجب تحول و دگرگونی در سبک زندگی اسلامی انسان شوند که ذهن، آنها را به صورت نوگرایانه تحلیل کند، در صورتی که افراد متحجر با تحلیل سنتی و دیروزی با ابزارهای مدرن و امروزی برخورد می‌کنند و این جریان فقط در گذشته نبوده، بلکه به عنوان جریانی فرهنگی در کل، موجودیت خویش را حفظ نموده است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که خلاقیت، ارائه ایده جدید در همه زمینه‌ها می‌باشد؛ یکی از عوامل عدم بروز خلاقیت در بین انسان‌ها موانع شناختی در ابعاد فردی و اجتماعی است. انسان به منظور رشد و شکوفایی اندیشه خود و رسیدن به دستاوردهای مطلوب می‌بایست با آگاهی از مقدمات، موانع موجود در فرایند تفکر خلاق را از بین ببرد. در آموزه‌های اسلامی به تفکر اندیشیدن تاکید فراوانی دارد و اساس هدایت و رشد انسان را در گرو شناسایی نیروی اندیشه و میزان بهره‌مندی از آن می‌داند و آن را از معیارهای با ارزش و کرامت انسانی در پیشگاه خداوند متعال معرفی می‌نماید. به طوری که عدم تعقل و اندیشه را

موجبات سقوط انسان به مرتبه حیوانیت می‌شمارد. در قرآن و روایات، عوامل و موانع شناختی که عقل و اندیشه انسان را تحت شعاع قرار داده و آنان را از عملکرد صحیح باز می‌دارند، را مورد بررسی قرار داده است.

هر آنچه قرآن به عنوان موانع اندیشه، اندیشه ورزی بیان می‌دارد، در عصر حاضر حائز اهمیت است. زیرا همچنان که در زمانی، فرعون به فریب مردم مبادرت می‌ورزید؛ امروز رهبران استعمارگر برای رسیدن به اهداف ناصواب خود از شگردهای مختلف بهره می‌جویند و با استبداد زمینه غفلت مردم را فراهم می‌کنند و آنان را دچار شک و تردید نموده و قوه تعقل و اندیشیدن را از آنان می‌گیرند. بنابراین با توجه به آنچه ذکر گردید، می‌توان گفت:

تفکر صحیح، نتایج ارزنده‌ای را برای انسان اندیشمند به بار می‌آورد و نیل به آگاهی و شناخت حقیقت از مهم‌ترین آن‌هاست. همه vicegerents on Earth. This divine gift necessitates cultivation through creativity, which can either be suppressed or flourished based on various internal and external factors (Quran, 2023). Recognizing and addressing these cognitive barriers is crucial to prevent the erosion of creativity, especially since creativity tends to diminish with age (Qarashi, 1985).

The concept of creativity, rooted in the Arabic term "khalq," signifies creation and formation. Islamic scholars define creativity as the ability to generate new ideas or reconfigure existing elements to produce something novel and valuable (Ragheb Esfahani, 1997). Early pioneers like Guilford (1950) and subsequent researchers have expanded on this definition, emphasizing creativity as the production of new ideas or the recombination of known elements to solve problems effectively (Richard & Elder, 2019). Distinguishing creativity from innovation, the former involves generating novel thoughts, while the latter pertains to the implementation of these ideas into practical outcomes (Sobhani, 2018).

Individual cognitive barriers to creativity include a lack of flexibility, rigidity in thinking, and negative

متخصصین متفق القول هستند که اگر افراد با روش‌های شناسایی و دفع موانع خلاقیت آشنا شوند و آن‌ها را بکار ببندد، بر قدرت خلاقیتشان افزوده می‌شود. شناسایی و برطرف نمودن موانع در راه بروز خلاقیت افراد، بسیار حیاتی و ضروری خواهد بود. بهترین راه شناخت موانع را می‌توان در آموزه‌های اسلامی جستجو کرد. قرآن کریم انسان‌ها را به موانع شکل‌گیری تفکر خلاق و دوری از موانع خلاقیت دعوت می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In today's world, the profound changes and advancements compared to the past are largely credited to human creativity. Creativity is now recognized as a vital technique for achieving discoveries and progress across scientific, technical, and artistic fields. This emphasis on creativity is deeply ingrained from childhood, where it is extensively nurtured and supported. Individuals who fail to adapt to varying conditions and environments, lacking the ability to utilize and adjust, are predisposed to decline. Consequently, continuous innovation and creativity are essential for human survival and progress, serving as a bridge from the present to the future and representing one of the highest and most complex manifestations of human thought (Weston, 2009). Creativity involves both intrinsic and extrinsic factors, encompassing individual psychological traits and social environments. Islamic teachings, particularly the Quran and Hadith, offer clear guidance on the obstacles that hinder intellectual growth and creativity. According to the Quran, humans are endowed with divine faculties of reason and thought, positioning them as God's

thought patterns. Cognitive flexibility enables individuals to adapt their thinking to new and challenging situations, whereas rigidity limits their ability to explore diverse solutions (Bron et al., 2013). For instance, rigid individuals often categorize others and ideas, leading to biased judgments and the suppression of innovative thoughts. Negative thinking, characterized by pessimism and doubt, further impedes creative processes by fostering feelings of helplessness and undervaluing one's creative potential (Shakouri, 2020).

Islamic teachings advocate for cognitive flexibility and resilience as essential traits for maintaining creativity. The Prophet Muhammad (PBUH) likened a believer's heart to a pliable reed that bends in adversity, unlike a rigid pine tree that breaks under pressure. This metaphor underscores the importance of adaptability and openness to new experiences, which are vital for creative growth. Conversely, rigid and authoritarian environments stifle creative expression by enforcing strict conformity and discouraging independent thought (Nahj al-Balagha, 2005).

Social cognitive barriers encompass authoritarianism, prejudice, and rigid societal norms, which significantly impede creativity. Authoritarian regimes suppress creative expression by promoting conformity and discouraging dissent, leading to intellectual stagnation. Prejudiced attitudes and preconceived notions hinder the recognition and appreciation of diverse ideas, further limiting creative potential (Tabarsi, 2005). Additionally, societal expectations and rigid educational systems often prioritize rote learning over critical thinking, thereby restricting opportunities for creative development (Faqi, 2013).

Prejudiced assumptions and stereotypes are substantial impediments to creativity, as they prevent individuals from accurately identifying and addressing real-world problems. The Quran warns against unjust assumptions and encourages believers to seek truth through reason and reflection. Misconceptions about others' intentions

or abilities can lead to a lack of trust and collaboration, which are essential components for creative endeavors. Overcoming these biases requires a commitment to open-mindedness and the pursuit of knowledge beyond superficial judgments (Tabarsi, 2005).

Mental rigidity and stagnation are critical barriers to creativity, often resulting from entrenched habitual thinking and resistance to change. Such rigidity limits the ability to perceive problems from multiple perspectives and hinders the development of innovative solutions (Esfahani et al., 2015). Islamic teachings emphasize the importance of continual learning and adaptability, encouraging individuals to embrace change and seek improvement. By fostering a mindset that values flexibility and resilience, individuals can better navigate challenges and enhance their creative capabilities.

In conclusion, creativity is essential for personal and societal advancement, yet it is frequently obstructed by both individual and social cognitive barriers. Islamic teachings provide a comprehensive framework for understanding and overcoming these obstacles, advocating for flexibility, resilience, and open-mindedness. By aligning with these principles, individuals can enhance their creative potential and contribute to meaningful progress in various fields. Recognizing and addressing cognitive barriers is vital for nurturing creativity, ultimately leading to the fulfillment of human potential and the achievement of excellence as envisioned in Islamic doctrine.

References

- Afshar, E. M. P. (2008). *Fostering Creativity and Innovation*. Zamzam Hedayat Publications.
- Bron, S., Heydari, A., Bakhtiarpour, S., & Bron, S. (2013). The Effect of Creative Problem-Solving Training on Creativity Components of Students. *Journal of Innovation and Creativity in Humanities*, 2(4).
- Esfahani, A. N., Farokhi, M., Amiri, Z., & Salheshouri, R. (2015). The Effect of Organizational Health on Organizational Entrepreneurship, Mediating Role: Creative

- Atmosphere. *Journal of Innovation Management*(2).
- Esfandiari, M. (2003). *Khomood and Jamood, A Research on Intellectual and Practical Rigidity*. Sahifeh Kherad Publications.
- Fallah Rafiei, A. (2004). Philosophical Reflections on Aristotle's Politics. *Ma'aref Magazine*(4).
- Faqi, I. (2013). *Investigating Positive Thinking and Negative Thinking*. Morsal Publications.
- Hashemi, S. A., Fard, A. S., & Hemmati, A. (2011). Investigating the Relationship between Thinking Styles and Creativity and Innovation of School Principals in Lamerd. *Journal of Curriculum Research*, 8(30).
- Hosseini, A. A.-S. (2009). *The Nature of Creativity and Its Fostering Methods*. Astan Quds Razavi Publications.
- Ibn Manzur, M. I. M. (1996). *Lisan Al-Arab*. Dar Sa'ad.
- Majlesi, M. B. (1982). *Bihar Al-Anwar Al-Jami'ah Li-Durar Akhbar Al-A'immat Al-Athar*. Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Majlesi, M. T. (1985). *Rawzat Al-Muttaqin Fi Sharh Man La Yahduruhu Al-Faqih*. Koshanpour Cultural Institute.
- Makarem Shirazi, N. (1991). *Payam Quran* (Vol. Volume 1). Imam Amir Al-Mu'minin School.
- Makarem Shirazi, N. (2008). *Tafsir Nemouneh*. Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
- Motahhari, M. (1989). *Dastan Rastan*. Sadra Publications.
- Motahhari, M. (1996). *Education and Training in Islam*. Sadra Publications.
- Motahhari, M. (2018). *The Problem of Knowledge*. Sadra Publications.
- Pergan, H. (2012). *Fostering Creativity in Organizations with a View to Islamic Texts*. Research Institute of Hawza and University.
- Plato. (1980). *The Republic* (Vol. Book 8). Scientific and Cultural Publications.
- Qaemi Moghadam, M. R. (2011). *Harmful Methods in Education from the Perspective of Islamic Education*. Hawza and University Publications.
- Qarashi, S. A. A. (1985). *Qamus Al-Quran*. Islamic Publications.
- Ragheb Esfahani, H. I. M. (1997). *Mufradat Alfaz Al-Quran*. Dar Al-Qalam.
- Reyshahri, M. M. (1999). *Wisdom in the Quran*. Dar Al-Hadith.
- Reyshahri, M. M. (2007). *Mizan Al-Hikmah* (Vol. Volume 10). Dar Al-Hadith.
- Rezaei Esfahani, M. A. (2008). *Tafsir Quran Mehr*. Tafsir and Quranic Sciences Research.
- Richard, P., & Elder, L. (2019). *The Nature and Functions of Critical and Creative Thinking*. No Publications.
- Sam Khaniyan, M. R. (2005). *Creativity and Innovation in Educational Organizations*. Media Publications.
- Shakouri, R. (2020). *Comparing Attachment Styles, Negative Thinking, and Quality of Life in Divorced and Married Women*. Faculty of Humanities, Department of Psychology, Islamic Azad University.
- Sobhani, M. (2018). *One Like Myself*. Global Publications.
- Tabarsi, A. A. F. I. H. (2005). *Majma Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran*. Nasser Khosro Publications.
- Tabatabai, M. H. (1995). *Tafsir Al-Mizan*. Publications Office.
- Tamimi Amedi, A. W. I. M. (1990). *Ghurur Al-Hikam Wa Durar Al-Kalam*. Dar Al-Kitab Al-Islami.
- Tasdiqi, F. (2005). *Investigating the Obstacles and Problems of Fostering Creativity in Elementary School Students in Shahreza*. Allameh Tabatabai University.
- Weston, A. (2009). *Creativity: Critical Thinking*. Bahman Publications.